

وعده‌های انتخاباتی، از حرف تا عمل!



خدیاب سعیدوزیری

انتخابات نزدیک است و نامزدهای شاخص نیز به تدریج برنامه‌های خود را برای ارائه به پیشگاه ملت بزرگ ایران آماده می‌کنند و در این میان فارغ از معدود افرادی که اساسا برنامه‌های جز خریب رقبا و خیمه شب بازی‌های بچه‌گانه و حرکات به زعم خود غافلگیرانه ندارند و علی‌الظاهر هدفی جز حفظ نام خود در رسانه‌ها و افواه عمومی را دنبال نمی‌کنند و لذا شایسته نیست وقت و توجه مردم به بررسی برنامه و عملکرد آنها تلف شود، مسایر نامزدهای محترم عموما برنامه‌ها و شعارهای خود را با توجه به اوضاع نه چندان مطلوب اقتصادی جامعه بر این عرصه متمرکز کرده‌اند و قطعا در روزهای آینده بیشتر به تبیین وعده‌های خود خواهند پرداخت؛ اما در این میان نکته‌ای که حائز اهمیت فراوان است، تفاوتی است که بین دولت مستقر و نامزدهای کرسی ریاست جمهوری وجود دارد و آن اینکه نامزدهای دیگر با فراغ بال به نقد ایرادات و اشکالات موجود می‌پردازند و وعده‌هایی برای حل مشکلات و مسائل موجود ارائه می‌دهند که تا وقتی انتخاب نشده‌اند و در عرصه عمل آنچه وعده داده‌اند دنبال نکرده‌اند، ارزیابی و امکان سنجی تحقق این وعده‌ها ناممکن یا حداقل بسیار دشوار است؛ در حالی که عملکرد دولت مستقر برای همه ملموس و قابل نقد است و مناسفانه بعضا بدون نگاه به مواج و مشکلات پیش روی دولت، صرفا ضعف‌ها مورد نقد قرار می‌گیرد و عملکرد دولت زیرسوال می‌رود. نکته‌ای که لازم است مردم به آن توجه داشته باشند، بررسی و تدقیق در امکان عملی وعده‌ها از طرفی و نگاه به مواج پیش روی دولت در تحقق وعده‌های چهارسال قبل خود است تا بتوانند به قضاوتی منصفانه دست بزنند. به عنوان مثال در عرصه اقتصادی، دولت یازدهم در شرایطی هدایت کشور را در دست گرفت که رشد اقتصادی کشور هر سال بیش از سال قبل سیر نزولی را طی می‌کرد، رکود اقتصادی بر فعالیت‌های گوناگون حاکم بود و تورم شدید نزدیک به چهل درصدی گریبان اقتصاد کشور را گرفته بود. در چنین شرایطی دولت تدبیر و امید سعی کرد با موازی پیش بردن سیاست‌های مناسب اقتصادی برای کنترل و کاهش تورم در کنار سیاست خارجی فعال و موثقی که منتهی به موافقتنامه پرافتخار برجام شد، زمینه مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری‌های بیشتر و خروج از رکود را فراهم نماید. از طرف دیگر افزایش صادرات غیرنفتی که امسال رکورد چند دهه اخیر را شکست، در کنار دیپلماسی نفتی که منجر به افزایش چشمگیر صادرات نفت کشورمان شد، رشد اقتصادی مناسبی را رقم زد و بار دیگر اقتصاد کشور در مسیر صعودی قرار گرفت. امروز کشور در شرایطی قرار دارد که بسیاری از مواج جدی از سر راه برداشته شده و حرکت در مسیر توسعه اقتصادی و رشد بیشتر تنها با کار و تلاش و برنامه‌ریزی دقیق امکان‌پذیر است و زنجیرهای بی تدبیری، تحریم و... که پیش از این مانع حرکت بود، گسسته شده است. درحالی که برخی مناسفانه بدون توجه به این تلاش‌ها، با بیان مطالب خلاف واقعی چون وعده دولت تدبیر و امید به حل صد روزه مسائل کشور که برای هیچ عقل سلیمی منطقی نمی‌نماید، مدعی عدم تحقق وعده‌های دولت می‌شوند! موفقیت یا عدم موفقیت دولت تدبیر و امید را در هر عرصه‌ای از جمله اقتصاد، باید با نگاهی مقایسه‌ای میان آنچه تحویل گرفته است و آنچه امروز آماده تحویل دولت دوازدهم در دست دارد، مورد قضاوت قرار داد، وگرنه سخن گفتن و وعده دادن کار ساده‌ای است، لکن به عمل کار برآید به سخن دانی نیست!

جمنا، تشکلی بدون اجماع و وحدت

رحمت مهدوی



«جبهه مردمی نیروهای انقلابی» تشکلی است که به واسطه انتخابات دوازدهمین دوره ریاست جمهوری با هدف همگرایی طیف‌های مختلف اصولگرایی و رسیدن به کاندیدای واحد شکل گرفت و جریان جدیدی را تحت عنوان «جمنا» ایجاد نمود. جبهه مردمی نیروهای انقلاب که قرار بود طیف‌های مختلف اصولگرایی را به هم بپیوندد، اما قبل از شروع انتخابات به سمت واگرایی می‌رود و دلیل آن نیز عدم تجانس گروه‌های درونی آن، نامشخص بودن سازوکارهای ایجاد وحدت، نداشتن اعتبار و وجهه برای اشخاص و چهره‌های اصلی اصولگرا و همچنین نامزدهای احتمالی این طیف است. علاوه بر دلایل فوق باید گفت دلیل اصلی انشقاق در جمنا «عدم اعتمادسازی و شفافیت» لازم در تصمیم‌گیری این تشکل است. همین عامل نیز باعث می‌شود شاهد «سهم خواهی» یا «حق خواهی» جریانهای داخل آن باشیم. در سالیهای اخیر جریان‌های جدیدی چون جبهه پایداری به عنوان یک تشکل نوپا در سپهر سیاست ایران در گفتمان اصولگرایی سعی می‌کنند انتخابات مجلس، شورا و ریاست جمهوری را بیش از دیگران تحت تاثیر قرار دهند. در حال حاضر نیز با تجزیه و تحلیل مواج اشخاص مختلف و همچنین خود اعضای جبهه پایداری ملاحظه می‌گردد که آنها در جمنا توانسته‌اند دیگر گروه‌های اصولگرا را با گزینه مطلوب خود همراه کرده و به انتخابات ورود نمایند و شاید دلیل عدم ورود بسیاری از چهره‌های اصیل جریان اصولگرایی همچون ولایتی، لاریجانی، ناطق نوری و... نیز همین امر باشد.

با وجود بسیاری از اشخاص قدیمی و صاحب نفوذ و همچنین احزاب قدیمی، این جبهه پایداری است که تلاش می‌کند «محور وحدت» باشد و شاید همین امر موجب روینگردانی این چهرها شده است. در این ارتباط حاجی دلگانی عضو جبهه پایداری از توصیه آیت‌الله مصباح به اعضای جبهه پایداری برای حمایت از ابراهیم رئیسی در انتخابات ریاست جمهوری خبر داده و در اشاره به موضع جبهه پایداری نسبت به جمنا گفته است: اگر «اعضای جمنا هم» بر روی انتخاب رئیسی به اجماع برسند اتفاق میمون و مبارکی در جهت حفظ وحدت بین اصولگرایان رقم خواهد خورد. به نظر می‌رسد جمنا و یا حداقل طیف جبهه پایداری جمنا، از اول گزینه خود را انتخاب و به دنبال همراه کردن دیگر گروهها و اشخاص با خود هستند. همین امر نیز باعث انشقاق شده و افراد و جریان‌های دیگر بر طبل جدایی نواختند. حزب مؤتلفه اسلامی به عنوان یکی از قدیمی ترین احزاب جریان اصولگرایی که همواره نقش مهمی در حفظ وحدت جریان اصولگرا داشته و از پایبندترین احزاب این طیف به گفتمان اصولگرایی است، اصرار خود مبنی بر گنجاندن نام «میرسای» به عنوان کاندیدای نهایی جریان اصولگرا را یک حق خواهی می‌داند. احزاب قدیمی و ریشه داری چون حزب مؤتلفه احساس می‌کنند با دیده نشدن قدمت و جایگاه‌شان در انتخابات مختلف، به حاشیه رانده می‌شوند چرا که در حاضر انتخابات تنها میدان و عرصه‌ای است که احزاب بواسطه آن ماهیت موجودی خود را اثبات می‌نمایند. ریکورد حزب مؤتلفه را می‌توان «حق خواهی» نامید و این را از سخنان جیبی دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی استنباط کرد که در همایش انتخاباتی اخیر این حزب اظهار داشته است: «هر زمان مسئله ائتلاف اصولگرایی مطرح شده پیش قدم بودیم، ولو اینکه از حق خود گذشته باشیم. البته درخواست ما از مردم این است که به نامزد ما رای بدهند»



روستا، هر نامزد حداقل باید ۲۵ سال سن داشته و از سواد خواندن و نوشتن برخوردار باشد. باید فراموش نکرد که این شرایط حداقلی برای تصمیم گیری در مورد مسائل یک روستای کوچک یا حتی یک شهر بزرگ ممکن است کافی باشد. در مورد معیارهای اولیه داوطلبی نمایندگی مجلس شورای اسلامی نیز که به نظر خواننده مسئولیتی به مراتب کمتر از رئیس جمهور به عنوان شخص دوم تصمیم گیری کشور است، با محدودیت‌هایی نسبتا زیادی مواجه هستیم. فرد داوطلب نامزدی مجلس شورای اسلامی باید حداقل سسی سال و حداکثر هفتاد و پنج سال تمام سن و دارای مدرک کارشناسی ارشد یا معادل آن باشد.

اما قانونگذار در مورد معیارهای نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری چنین محدودیت‌هایی را نیز ایجاد نکرده و کار به اینجا می‌رسد که یک کودک نیز برای ثبت نام داوطلبی ریاست جمهوری همراه با پدرش به سناد انتخابات وزارت کشور مراجعه می‌نماید. تو گویی این ستاد در مهلت ثبت‌نام داوطلبین ریاست جمهوری تبدیل به یکس تفریحگاه و شهربازی می‌شود و هر شخصی که دارای شناسنامه ایرانی است می‌تواند به خود اجازه دهد تا برای چنین جایگاه رفیعی خود را نامزد نماید. علت این مسئله نیز روشن است. هیچ نهاد قانونی تا کنون برای شروط داوطلبی ریاست جمهوری مطرح شده در قانون اساسی که بسیار کلی است و نیاز به بررسی دارد، مواردی را به عنوان حداقلی تعیین ننموده و کل

مسئله به عهده شورای نگهبان گذاشته شده است. براساس اصل ۱۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی‌الصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور (شیعه)». البته واضح است که شورای نگهبان اکثر افراد داوطلب برای نامزدی ریاست جمهوری را به خاطر همان معیارهای کلی رد صلاحیت می‌نماید و تنها تعداد بسیار کمی به عنوان نامزد نهایی ریاست جمهوری اعلام می‌گردند اما بدون شک شرایط فعلی به نفع این انتخابات مهم و سرنوشت ساز کشور نبوده، باعث می‌گردد که تا حدودی مردم احساس کنند که این انتخابات علیرغم اهمیت واقعی آن، مسئله‌ای پیش پا افتاده است.مصاحبه رسانه‌ها نیز با افراد عجیب و در بعضی اوقات دارای مشکل روحی و روانی باعث می‌گردد که اهمیت این موضوع در افکار عمومی مردم سوال قرار گرفته و خدشه دار شود. به نظر می‌رسد که لازم باشد هر چه زودتر و پس از پایان انتخابات ریاست جمهوری امسال، طرح یا لایحه‌ای در مجلس مطرح گردد که با گذاشتن شروط حداقلی برای نامزدی ریاست جمهوری، علاوه بر آنچه در قانون اساسی بدان اشاره گردیده است، برای همیشه به چنین وضع نابسامانی پایان داده شود.

ثبت نام برای ریاست جمهوری؟



بابک قرانی مقدم • پزشک

یکی از مسائلی که متاسفانه هر چهار سال یک بار و قبل از انتخابات ریاست جمهوری در یکی دو دهه گذشته محفل طنز و مسخره کردن هر دوست و دشمن گردیده و سوژه رسانه‌ها شده است، ثبت نام و نام نویسی افراد متعدد و گهگاه عجیب و غریب برای نامزدی ریاست جمهوری در وزارت کشور می‌باشد. واقعا جای تاسف دارد که چنین جایگاه مهم و محترمی درست قبل از چنین رقابت مهم و تعیین کننده‌ای در کشور با ورود افرادی به عنوان نامزد ریاست جمهوری اینچنین به سخره گرفته می‌شود و بیش از هر چیز برای بنده جای سوال دارد که چگونه است که مقامات مسئول قانونگذار در مورد معیارهای ابتدایی نامزدی ریاست جمهوری تاکنون هیچ‌گونه اقدامی انجام نداده‌اند.

جالب آنکه طبق قانون در مورد معیار اولیه نامزدی برای پست‌هایی به مسئولیت بسیار کمتر از رئیس جمهور یا محدودیت‌هایی بسیار واضح تر و در عمل بیشتر مواج می‌باشیم، به طور مثال در مورد انتخابات شوراهای شهر و

برنامه روزی به جای برنامه ریزی

شهناز زمردبخش



تسب و تاب انتخابات با ورود و یا اعلام آمادگی مبنی‌بر ورود کاندیداها از جریان‌های مختلف فکری - سیاسی برای احراز پست ریاست جمهوری و تکیه بر مسند ریاست در ساختمان پاستور، فضای انتخاباتی پیش رو را با تحلیل‌های مختلفی همراه کرده است. در واقع فارغ از نوع نگاه‌ها و برداشت‌های تحلیلی از پیروزی و یا عدم پیروزی، مثبت یا منفی و ایجابی و یا سلبی بودن حضور یافتن افراد از جریان‌های مختلف، نکته مهم در این باره بستر سازی‌های انتخاباتی برای حضور فعال و توام به برنامه‌ریزی‌های هدفمند جامعه تقریبا غالب زنان می‌باشد. به‌عبارتی هدف از این یادداشت تحلیل و ارزیابی آمیشی برای فعالیت و حضور حداکثری زنان و پیگیری مطالباتی آنها از دولت آینده است که در دستور زیر به تحلیل و ارزیابی آن خواهیم پرداخت.

از این رو مدخل رهیافتی در یادداشت پیش رو با‌خواهی اشاره‌ای به رهیافت فلسفه سیاسی گزاره و مفهوم دموکراسی به عنوان فرجام و واپسین روش اندیشیده شده بشری که حاصل تجربه زندگی و تمدن بشری می‌باشد که در قامت یک شاخص اساسی، بنیادی و بنیادین و مورد پذیرش همگانی در نحوه انتقال قدرت با فرآیند مسالمت آمیز و به دور از نزاع و تنش تبلور پیدا کرده است. با این رویکرد تاریخی - تماتیک پذیرفته شده همگانی در سباز و معیار جهانی است که انتخابات و فراهم شدن فضای رقابتی برای نامزدهای انتخاباتی فارغ از هر نوع رنگ، نژاد، طبقه و جنیست از یکسو و ایجاد فرصت‌های برابر رقابت درعرصه انتخابات میان نامزدهای کنونی (انتخاب شوندهگان آینده) و انتخاب‌کنندگان از سوی دیگر از جمله سازوکارهای تعریف شده ایجاد و بدیهی از بنیاد دموکراسی در سراسر جهان کنونی محسوب می‌شود.

اما در کشور ما سازوکار دموکراسی با تلفیق و ترکیب از مبانی و معانی اخلاقی، شکل و شمایل خاص‌تری را به‌خود گرفته که علاوه بر مستسر سازی ویژگی‌های مدرن، با شاخص‌های شرعی و مذهبی نیز همراه شده است. بطوریکه تعبیر مصطلح مردم سالاری دینی مبین موضوع و مطلب فوق است. در واقع تجربه همخوانی و همپوشانی دموکراسی با مبانی مردم محوره‌ا دینی برآمده از انقلاب اسلامی برشکل تعبیر کاربردی و عینیت یافته‌ای همچون مردم‌سالاری دینی نقش ویژه و بسزایی داشته است. با این اوصاف و با تامل و تدبر بر این موضوعات مصطلحی ازنقش پرشور مردم در تعیین سرنوشت خود در کنار احکام

■ **در واقع حضور یافتن زنان در یک عرصه سیاسی - اجتماعی و فرهنگی مانند انتخابات در کنار حضور آنها در صحنه مدیریت کلان کشوری دو روی یک سکه قلمداد می‌شود**

■ **برای پیگیری مطالبات اجتماعی -سیاسی. فرهنگی زنان، انتخابات و حضور پررنگ در روزهای آینده با شروع کارزار انتخابات فرصت مناسبی است که باید از سوی زنان مغتنم شمرده شود**



حضور احمدی نژاد فرصت یا تهدید؟



مصطفی‌آب روشن • جامعه‌شناس

در ظاهر امر حضور احمدی نژاد یک تهدید جدی برای امنیت کشور به شمار می‌آید زیرا هزینه نظام را برای ردصلاحیت بقایی بسیار بالا برده است.در واقع با توجه به واقعیت‌های موجود اگر بقایی رد صلاحیت شود آنگاه نظام بایستی احمدی نژاد را بپذیرد. این جریان سیاسی بر این عقیده است که هدف وسیله را توجیه می‌کند و بر این مبنا، انحراف از اصول اخلاقی برای رسیدن به قدرت، مجاز تلقی خواهد شد. در شرایط موجود که قاعده‌های بازی تغییر کرده است بهترین گزینه برای حاکمیت، پذیرش این واقعیت و مواجهه عقلایی و غیراحساسی با جریان پیش رو است. به‌عبارتی، نقد اندیشه و عملکرد ۸ ساله اقتصادی - سیاسی دولت ایشان که با داوری افکار عمومی در صندوق‌های رای همراه خواهد بود، بهترین و دموکراتیک‌ترین شیوه مواجهه با خواهد بود. در شرایط موجود که قاعده‌های بازی تغییر کرده است بهترین گزینه برای حاکمیت، پذیرش این واقعیت و مواجهه عقلایی و غیراحساسی با جریان پیش رو است. به‌عبارتی، نقد اندیشه و عملکرد ۸ ساله اقتصادی - سیاسی دولت ایشان که با داوری افکار عمومی در صندوق‌های رای همراه خواهد بود، بهترین و دموکراتیک‌ترین شیوه مواجهه با خواهد بود. در شرایط موجود که قاعده‌های بازی تغییر کرده است بهترین گزینه برای حاکمیت، پذیرش این واقعیت و مواجهه عقلایی و غیراحساسی با جریان پیش رو است. به‌عبارتی، نقد اندیشه و عملکرد ۸ ساله اقتصادی - سیاسی دولت ایشان که با داوری افکار عمومی در صندوق‌های رای همراه خواهد بود، بهترین و دموکراتیک‌ترین شیوه مواجهه با خواهد بود.

اجتماعی‌شان را از دست داده اند در مکتبسیمی وارونه، به اسطوره‌سازی آن جریان کمک کرده و زمینه رفتارهای افراط‌گرایانه در در گروه‌های منتسب به او ایجاد و گسترش خواهد داد. او شاید با وعده‌های پوپولیستی همچون: پارانته ۲۵۰هزار تومانی و یا هر ایرانی یک مسکن رایگان، اقشار ضعیف جامعه را به زعم خودش فریبید اما بنظر می‌رسد متوسط آرا و افکار عمومی جامعه به اندازه‌ای رشد کرده که در رقابت‌های انتخابی سره را از ناسره تشخیص دهد و فریب شعارهای پوپولیستی را نخورد. ثبت نام احمدی نژاد و جریان منتسب به او نه تنها ناپیستی بعنوان یک تهدید تلقی نگردد بلکه فرصتی است برای نظام اجتماعی تا یک «نه» بزرگ را در روندی قانونی و دموکراتیک به آنان بار کنند. مجددا تاکید می‌گردد که حذف و یا نادیده‌انگاری این جریان در روند انتخابات، آنان را به جایگاه منحصر بفرد و ممتازی ارتقا می‌بخشد که با مکتبسیسم مظلوم نمایی و فرافکنی، افکار عمومی را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. حضور احمدی نژاد در رقابت‌های انتخاباتی را می‌توان بعنوان یک خیر خوب تلقی کرد چراکه اولاً به او می‌فهماند که نافرمانی، نتیجه اش چه می‌شود و دیگران به آن نماند آری خاکستری بلکه مسوج رای ندهندگان را هم به نفع جریان حاکم بر جامعه به حرکت در خواهد آورد.